

علم حدیث و مراحل تاریخی آن

The Science of Hadith and Its Historical Stages

پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیب بلخی^۱

چکیده

این مقاله به بررسی علم حدیث، تعاریف و مراحل تاریخی آن می‌پردازد. علم حدیث به دو شاخه تقسیم می‌شود:

۱. علم روایت حدیث: شامل گفتار، کردار، تقریرات و صفات پیامبر صلی الله علیه وسلم و صحابه و تابعین است و هدف آن حفظ، ضبط و بررسی صحت احادیث است.

۲. علم درایت حدیث: شامل شناخت قوانین و احوال سند و متن است تا حدیث صحیح از غیر صحیح تمیز داده شود.

فواید علم حدیث: جلوگیری از تحریف دین، جلوگیری از تساهل در روایت، پاکسازی خرافات و تربیت عقل‌های درست‌اندیش.

مراحل تاریخی علم حدیث:

- نشأت و ظهور: عصر صحابه، حفظ احادیث با اخلاص، آغاز ثبت برخی صحیفه‌ها.
- تکامل: قرن دوم تا آغاز قرن سوم، تدوین و جمع‌آوری احادیث، نقد رجال و جرح و تعدیل.
- تدوین حدیث: قرن سوم تا نیمه قرن چهارم، تألیف کتب مستقل احادیث مانند صحیح بخاری و مسلم.
- تجلی تألیفات: نیمه دوم قرن چهارم تا اوایل قرن هفتم، گردآوری و استدراک مطالب و انتشار مؤلفات مرجع
- پختگی و کمال: قرن هفتم تا دهم، اوج تألیف در علوم حدیث و نگارش کتب مهم توسط بزرگان مانند ابن الصلاح و امام نووی.
- رکود و جمود: قرن دهم تا چهاردهم، کاهش نوآوری و تحقیق، گرایش به مختصرات و نظم و نشر ساده.

^۱. پوهاند در رشته علم حدیث، استاد در دیپارتمنت تعلیمات اسلامی پوهنځی شرعیات و معاون علمی مؤسسه تحصیلات عالی سلام کابل، +93788314991.

• تحرک و نشاط: از قرن چهاردهم تا امروز، واکنش به شبهات و تحریفات، تألیف و چاپ رساله‌ها و کتاب‌های نقد و شرح احادیث.

در نتیجه، علمای اسلام از عهد پیامبر صلی الله علیه وسلم تاکنون تلاش کرده‌اند احادیث را حفظ، نقد، شرح و بسط دهند و راه تشخیص حدیث صحیح از ضعیف را برای همه امت باز نگه داشته‌اند.

واژگان کلیدی: علم حدیث، علم روایت، علم درایت، سند، متن

مقدمه

قبل از اینکه به ذکر مراحل تاریخی و ادوار زمانی علم حدیث آغاز کنیم درمقدمه معنای (علم حدیث) و موارد استعمال آن و اینکه این کلمه نزد علمای حدیث چه مفهوم دارد را توضیح و پس از آن به بررسی مراحل تاریخی آن می‌پردازیم: علم حدیث: این لفظ از نظر لغت معنای فهم حدیث، درک حدیث و شناخت آن را افاده می‌کند اما نزد علمای حدیث بحیث یک اصطلاح حدیثی دو مورد استعمال دارد:

أ. علم روایت حدیث که انرا درعربی (علم الحدیث بالروایة) می‌گویند.

ب. (علم درایت حدیث) که درعربی (علم الحدیث بالدراية) گفته می‌شود^۲.

و چون علم حدیث از نظر استعمال علماء حدیث به دو فرع ذکر شده تقسیم گردیده است پس برای شناخت همه جانبه این اصطلاح ناگزیریم که به ذکر تعریف هریک ازین دو و بیان غرض و موضوع هر کدام بپردازیم تا باشد که معلومات کافی در مورد هریک حاصل گردد.

۱. علم روایت حدیث: دانشمندان و پژوهشگران این علم، تعبیرات مختلف و عبارات گوناگون درباره تعریف (علم روایت حدیث) ایراد کرده اند^۳ که این مقاله مختصر گنجایش نقل همه آنانرا ندارد و از طرف دیگر به اکثر این تعریفها اعتراضات و انتقادات موجود است. پس از نظر نویسنده بهترین و جامع ترین این تعریفها تعریفی است که نورالدین عتر در کتابش (منهج النقد...) آنرا اختیار کرده و به عبارت ذیل آورده است: (وهو علم یشتمل علی اقوال النبی صلی الله علیه وسلم و افعاله و تقریراته و صفاته و ضبطها و تحریر الفاظها)^۴ علم روایت حدیث: علمیهست که شامل گفتار، کردار، تقریرات، تأییدات و صفات رسول الله صلی الله علیه وسلم بوده و در برگیرنده حفظ و ضبط آنها و مشتمل بر تحریر و کتابت الفاظ آنها می‌باشد.

موضوع علم روایت حدیث: برخی از دانشمندان موضوع این علم را- ذات رسول الله صلی الله علیه وسلم از حیث پیغمبر بودنش- گفته اند که این امر از نظر جامع و مانع بودن موضوع، مورد مناقشه و اعتراض قرار گرفته است، پس بهتر آنست که گفته شود موضوع (علم روایت حدیث) عبارت از آن کردار و گفتاریست که به رسول الله صلی الله علیه وسلم و به صحابه

* دکتر محمد اسماعیل لیب، بلخی پوهاند در رشته علم حدیث، استاذ در دیپارتمنت تعلیمات اسلامی پوهنځی شرعیات و معاون علمی مؤسسه تحصیلات عالی سلام کابل.

^۲- منهج النقد فی علوم الحدیث ص ۳۰.

^۳- تدرب الراوی صفحہ ۴ ارشاد القاصد لابن الکفانی- فتح الباقي شرح الفیة الحراقی ۷/۱ و الکواکب الراوی فی شرح صحیح البخاری الکرمانی ۲/۱.

^۴- منهج النقد فی علوم الحدیث ص ۳۱.

وتابعین نسبت داده شده است چه درین علم، از روایت آن اقوال و افعال و ضبط و بررسی آنها و شناخت صحت و ضعف آنها بحث می گردد.

غرض و غایه (علم روایت حدیث): غرض این علم صیانت از خلل و دوری از نقصان درنقل حدیث است، و البته این امر بستگی با آن دارد که احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم طوریکه از او نقل شده است بدون تحریف و تغییر حفظ گردد و با شرح و بسط معانی آن مورد عمل قرار گرفته احکام و فوائد آن استنباط، و مورد اجرا و تطبیق قرار بگیرد.

2. علم درایت حدیث: (علم درایت حدیث) را بنامهای علم مصطلح الحدیث و علم اصول حدیث و علم علوم الحدیث⁵ نیز یاد می کنند،

3. عزالدین بن جماعة در مورد تعریف، غرض و موضوع آن گفته است: (علم الحدیث علم بقوانین يعرف بها أحوال السند والمتن، وموضوعه السند والمتن وغايته: معرفة الصحيح من غيره⁶)

علم درایت حدیث: عبارت از دانستن آن قوانینی است که بواسطه آنها احوال و کیفیت سند و متن شناخته می شود. موضوع آن: سند و متن است.

و غرض آن: شناخت حدیث صحیح از غیر صحیح می باشد.

و ازینکه در تعریف و موضوع علم حدیث از (سند و متن) و احوال سند و متن ذکر بمیان آمده ضروری دانسته می شود که (سند) و (متن) تعریف و احوال (سند و متن) واضح گردد:

تعریف سند:

سند و اسناد در اصطلاح محدثین به یک معنی استعمال شده است، ابن حجر عسقلانی در شرح نخبه چنین تعریف می کند: (الاسناد حكاية طريق المتن)⁷ سند و اسناد عبارت از حکایت و نقل طریق متن است و دکتور طحان در تیسیر مصطلح الحدیث چنین تعریف کرده است: (سلسلة الرجال الموصلة للمتن)² یعنی سند و اسناد عبارت از سلسله راویان است که به متن می انجامد.

اما نورالدین عتر در مورد دقت بیشتر به خرچ داده اولاً به فرق سند و اسناد اشاره نموده سپس نقطه ترادف هر دو را ذکر کرده گفته است: (أما السند فالمراد به عند المحدثين، حكاية رجال الحديث الذين رووه واحداً عن واحدٍ الى رسول الله صلى الله عليه وسلم)⁸ مراد از سند در نزد محدثین باز گوئی مردانی در حدیث است که یکی بعد از دیگری آنرا نقل نموده تا به رسول الله صلی الله علیه وسلم رسانیده اند.

و اما احوال سند: عبارت از همان حالات و کیفیاتی می باشد که به سند عارض می شود مانند؛ اتصال، انقطاع، تدلیس، سوء حفظ، متهم شدن راوی به فسق و یا دروغ و امثال آنها.

⁵- فتح الغیث شرح الفیه الحدیث المحرقی 12/1.

⁶- تدرب الروای للسطوی ص 5 وقواعد التحديث للقاسمی ص 75.

⁷- نزهة النظر شرح نخبة الفكر لابن حجر العسقلانی، ص 9.

⁸- منهج النقد فی علوم الحدیث ص 33.

اما تعریف متن: متن در لغت از متن که بمعنای زمین سخت و مرتفع است گرفته شده است و در اصطلاح اکثر علماء متن را چنین تعریف کرده اند: (ماینتهی الیه السند من الکلام)⁹ متن عبارت از کلامیست که سند به آن پایان می یابد.

و اما احوال متن: مانند مرفوع، موقوف، صحیح و شاذ بودن و امثال آنها صفاتی است که بر آن عارض می شود.

اگرچه در مورد هدف و غایه علم حدیث گفته شد که شناخت حدیث صحیح از غیر آن می باشد برای توضیح هر چه بیشتر این مطلب می توان به نکات ذیل اشاره کرد:

1. از فوائد این علم آنست که با وضع قواعد و اصول آن، احادیث صحیح از غیر صحیح شناخته شده، و سخنان رسول الله صلی الله علیه وسلم با سخنان دیگران خلط نگردیده، دین اسلام از تحریف و تبدیل محفوظ و مصئون می ماند.
2. با همین ضوابط و اصول، علماء از تساهل در روایت حدیث که ناروا خوانده شده است جلوگیری بعمل می آورند و درین مورد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: (من حدث عنی بحديث يرى أنه كذب فهو أحد الكاذبين)¹⁰ کسیکه از من روایت کند حدیثی را که گمان می کند که آن حدیث دروغ است پس او یکی از دروغگویان است.
3. با این علم شریف می توان ذهنیتها را از خرافات پاکسازی نمود زیرا یهود و دیگر دشمنان اسلام خرافات و داستانهای دروغین و افسانه های بی اساس را بنام دین در بین مردم و مسلمانان پخش و نشر نمودند و خواستند که مسلمانان حق و باطل، خوب و بد را از هم نشناخته به تفرقه و تباهی کشانیده شوند، پس هرگاهی که دانشمند مسلمان و متخصص حدیث به رد این دروغها و تهمت ها می پردازد او در حقیقت در پهلوی اینکه واجب دینی خود را ادا می نماید یک عمل بزرگ انسانی و اخلاقی را نیز انجام می دهد، زیرا وی با رد این خرافات به تربیه عقلهای ضعیف و اذهان شکار شده می پردازد، تربیه سالم که درست فکر کند و درست بیاندیشد و در شاهراه زندگی خویش در پرتو علم و عقل صحیح و روش سالم در حرکت شود.

مراحل تاریخی علم حدیث: بعد از تعریف علم حدیث و تقسیم آن به علم روایت حدیث و علم درایت حدیث، اکنون به ذکر مراحل تاریخی آن که اکثر دانشمندان و متخصصین آنرا به هفت دوره تاریخی تقسیم بندی کرده اند¹¹ بصورت مختصر و مفید می پردازیم.

مرحله اول: دوره نشأت و ظهور

این دوره عبارت از عصر صحابه رضوان الله علیهم اجمعین بوده که تا پایان قرن اول هجری ادامه دارد، و این دوره دارای ویژگیهای بخصوص است که در ادوار بعدی این خصوصیات دیده نمی شود، برخی قواعد کلی علوم حدیث درین عصر اولاً از طرف رسول الله صلی الله علیه وسلم و سپس از جانب اصحاب وضع گردید ولی این قواعد و اصول بصورت تفصیلی و منبسط نبوده بلکه بشکل کلی و مختصر، عرض ظهور کرده است چون دوافع برای آن کمتر احساس می گردید، زیرا صحابه همه از اخلاص و ایمانداری قوی برخوردار بوده سعادت دنیا و آخرت و راه وصول به مجد و عزت را در پیروی از اسلام و در متابعت

⁹ - شرح نخبه الفكر لملا علی القاری ص 19 ونزهة النظر ص 9.

¹⁰ - مسلم در مقدمه 7/1 والطبرانی در المعجم الكبير ج 1 ص 144 و ترمذی در ابواب علم ج 5 ص 36 و منذری در ترغیب و ترهیب ج 1 ص 111 والطحاوی در مشکل الآثار 199 و کنز العمال حدیث 29171، 29343 و فیض القدیر ج 6 ص 166.

¹¹ - دکتر نورالدین عتر در کتابش منهج النقد فی علوم الحديث با تفصیل بیشتر درین مورد قلم فرسائی کرده است، منهج النقد از صفحه 36 تا 72.

از کتاب الله وسنت رسول الله میدانستند واین حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را مشعل راه خود ساخته بودند که فرموده است: (ترک فیکم امرین لن تضلوا ماتمسکتکم بهما کتاب الله وسنة رسوله)¹² بین شما دو چیزی گذاشتم که هر گز گمراه نمی شوید تا وقتی که به آنها متمسک باشید که آن دو کتاب الله وسنت رسول الله می باشد. و روی همین اصل احادیث را با کمال اخلاص و عقیده حفظ نموده جزئیترین تساهل را درین مورد روا نمی دیدند، اما ناگفته نباید گذاشت که برخی از صحابه به حفظ حدیث اکتفا نکرده بعضی از مسایل مهم واحادیث را در صحیفه ها و رساله های کوچک می نوشتند که از جمله می توان صحیفه های ذیل را نام برد:

- 1- صحیفه صادقه عبدالله بن عمر و بن العاص، که او خود بآن فخر واعتزاز می نمود، طوریکه گفته است: (ما یرغبنی فی الحیاة الا الصادقة والوهط)¹³. در زندگی دوجیز مرا ترغیب وشوقمند نموده که یکی صادق (صحیفه صادق) و دیگری وهط¹⁴ است.
- 2- صحیفه حضرت علی رضی الله عنه که مقادیر دیات واحکام آزادی اسیران در آن تحریر یافته بود.
- 3- صحیفه سعد بن عباد، که فرزند سعد روایت می کند: (وجدنا فی کتاب سعد أن النبی صلی الله علیه وسلم قضی بالیمین والشاهد)¹⁵ در کتاب سعد دریافتیم که رسول الله صلی الله علیه وسلم به قسم وشاهد حکم نموده اند.

والبتة توجیهات رسول الله صلی الله علیه وسلم بآنها در حفظ دین و نگهداری آن از تحریف وتغییر، که در آیات متعدد واحادیث، باربار تذکر یافته است، صحابه را وا داشت تا اصول وضوابط را برای روایت حدیث وحفاظت آن از تحریف و خلط وتغییر وضع نمایند و چون اصل عدالت موجود بوده وصحابه کرام بالا تفاق همه از عدالت بر خوردار بودند، لذا به وضع قواعد جرح وتعدیل ضرورت دیده نمی شد، بلکه تنها ضرورت بوضع قواعدی بود که از وهم و خطا در روایت جلوگیری نماید؛ ازینرو قوانین روایت در عهد صحابه در شماره های ذیل خلاصه می گردد.

- 1- قلت روایت از رسول الله صلی الله علیه وسلم: واین کار به خاطر خوف خطا ولغزش در کثرت روایت بود و در جمله صحابه ابو بکر وعمر رضی الله عنهما درین مورد بیشتر تشدد می نمودند و بلکه شعار همه صحابه این حدیث گردیده بود (کفی بالمرء کذباً أن یحدث بكل ماسمع)¹⁶ این دروغ به انسان کافیهست که هر آنچه شنیده است روایت کند.
- 2- تشبیت واحتیاط در روایت: هم در اخذ و سماع وهم در روایت و اداء، ابوبکر وعمر رضی الله عنهما اولین کسانی بودند که درین امر احتیاط بیشتر را بکار می بردند، داستان ابوبکر در میراث جده وحکایت عمر با ابو موسی اشعری در حدیث استیذان، بیانگر این واقعیت است.

¹² - مشکاة المصابیح حدیث رقم 186، سلسله الاحادیث الصحیحة للالبانی حدیث 1761 و موطأ مالک کتاب القدر حدیث رقم 899، تجرید التمهید لابن عبدالبر 816.

¹³ - سنن دارمی ج 1 ص 127.

¹⁴ - وهط زمین پست و گودال را گویند ومراد از آن زمین وقفی بود که پدر عبدالله عمر و بن العاص آنرا در طائف وقف نموده بود وعبدالله سر پرستی آنرا به عهده داشت.

¹⁵ - تحفة الاحوذی ج 2 ص 280 ومسند احمد بن حنبل ج 5 ص 285.

¹⁶ - مقدمه صحیح مسلم ص 8 بخاری باب العلم ج 1 ص 29 سنن ابن ماجه ج 10 ص 13.

3- نقد روایت یعنی شناخت صحیح و تمیز آن از ضعیف: نقد درعهد صحابه غالباً باتطابق روایت بانصوص وقواعد

دین صورت می گرفت مثل داستان فاطمة بنت قیس¹⁷ که عمر رضی الله عنه قول او را درمورد عدم تعیین رسول الله صلی الله علیه وسلم نفقه ومسکن را برای مطلقه

رد کرد وگفت: (لا تترك كتاب ربنا وسنة نبينا بقول امرأة لاندري لعلها حفظت أم نسيت، لها السكنى والنفقة قال الله عزوجل: (لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ)¹⁸.

عمر رضی الله عنه گفت ماکتاب پروردگار خود وسنت پیغمبر خویش را به سخن زنی که شاید حفظ نموده باشد یافراموش کرده باشد ترک نمی کنیم مطلقه حق مسکن ونفقه دارد وخداوند فرموده است: بیرون مکنید ایشانرا ازخانه هایشان وباید که ایشان بیرون نروند مگر آنکه بی حیایی آشکار را بعمل آورند.

والبته این عمل برای احتیاط در حفظ حدیث وضبط آن صورت می گرفت نه برای اتهام وسوء ظن طوریکه عمر رضی الله عنه به ابو موسی اشعری گفت: (إني لم أتهمك ولكن أحببت أن أثبت) من ترامتهم به دروغ نمی کنم ولیکن خواستم که خوب متیقن شوم، آری باظهورفتنه که منجر به قتل حضرت عثمان وبعداها به قتل حسین رضی الله عنهما گردید، مشکلات درعرصه حدیث بروز کرد، چون ظهور فرقه های منحرف وگروه های مبتدع باعث وضع درحدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم گردید که هر گروه برای تأیید وتقویت بدعت خویش وجذب مردم احادیث را وضع وبه رسول الله صلی الله علیه وسلم نسبت می دادند؛ ولی صحابه بزرگوار قوی ترین وسائل دربحث وبررسی ونقد احادیث را بکار بردند، موضوع اسناد درحدیث مطرح شد واز احوال راویان استفسار به میان آمد طوریکه ابن سیرین می گوید: (لم يكونوا يسألون عن الاسناد فلما وقعت الفتنة قالوا سمو لنا رجالكم فينظر الى حديث أهل السنة فيؤخذ حديثهم وينظر الى أهل البدع فلا يؤخذ حديثهم)²¹⁹.

مردم از اسناد نمی پرسیدند وقتیکه فتنه بمیان آمد می گفتند از راویان سند خویش نام ببرید پس به حدیث اهل سنت دیده می شد وبه آن عمل صورت می گرفت وبه اهل بدعت نظرمی گردید وبه حدیث شان عمل نمی گردید وبه همین ترتیب علماء صحابه مردم را به احتیاط در روایت حدیث فرا خواندند وبه شکل یک قاعده این کلمات زمزمه می شد: (انما هذه الأحاديث دين فا نظروا عن تأخذونها)²⁰ این احادیث دین است پس متوجه شوید که از چه کسی آنرا می گیرید.

وبدینگونه رحلات وسفرها برای شنیدن یک حدیث از راوی اصل و نخستین صورت می گرفت ودرعصر صحابه به رحلات ها وسفرها اهمیت زیاد قایل بودند وسفر برای حدیث از وسائل تثبت واحتیاط بشمار می رفت وصحابه کرام با وسائل که از آن ها ذکر بعمل آوردیم احادیث صحیح را از سقیم وقوی را از ضعیف تمیز می دادند ودرحقیقت عصر اول به پایان نرسیده بود که دونوع حدیث - حدیث مقبول که بعد ها بنام صحیح وحسن تقسیم شد وحدیث مردودکه بنام ضعیف مسمی گردید- بمیان آمد.

¹⁷ - این قصه را مسلم درطلاق ج 4 ص 198، بخاری درباب قصه فاطمة بنت قیس ج 7 ص 73 و ابو داود ج 2 ص 288 وترمذی ج 3 ص 484 و نسائی ج 2 ص 116 وابن ماجه ج 2 ص 653 وموطا ج 2 ص 30 ومسند احمد ج 6 ص 73 آورده است.

¹⁸ - سوره طلاق آیه (۱)

¹⁹ - منهج النقد ص ۵۵.

²⁰ - الجرح والتعديل لابن ابی حاتم ۱/۱۵ عن عدد من التابعين.

مرحله دوم: دوره تکامل:

این مرحله از آغاز قرن دوم تا شروع قرن سوم ادامه دارد و این مرحله مصادف با زمانی است که اسلام به اکثر مناطق جهان انتشار یافته و دائره آن وسیع گردیده است، و بیشترین صحابه از جهان چشم پوشیده اند، ازینرو اگر از یکطرف حفظ وضبط احادیث درسینه ها ضعیف گردیده بود از طرف دیگر تعداد رجال سند به اثر دوری از عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم زیاد شده، و این باعث شد که درسند علل ظاهری و قوادم باطنی داخل گردد، و درکنار اینها فرقه ها منحرف چون معتزله، خوارج و جبریه نیز بمیان آمده اند، اینها همه عواملی بودند که علماء اسلام و محدثین را واداشت تا به مقابله آنها قیام و به رفع نیاز مند بهای مذکور دست به اقدام زنند، همانبود که مسائل ذیل درین دوره عرض وجود نمود:

1- تدوین و جمع آوری احادیث تقریباً بصورت رسمی صورت گرفت، امام بخاری روایت می کند: (ان عمر بن

عبدالعزیز کتب الی ابی بکر بن حزم انظرماکان من الحديث عن رسول الله صلی الله علیه وسلم فاکتبه فانی خفت دروس العلم وذهاب العلماء)²¹.

عمر بن عبدالعزیز به ابی بکر بن حزم، قاضی ووالی اش نوشت: ببین آن حدیثکه از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت شده است نوشته کن، زیرا من می ترسم که علم ضایع گردد و علماء از بین بروند.

وباین ترتیب برای اولین بار تدوین آغاز یافت، و نخستین کسانی که به جمع احادیث پرداختند اشخاص آتی بودند:

- ابن جریج متوفای (۱۵۰) درمکه.
- ابن اسحاق متوفای (۱۵۱) و امام مالک متوفای (۱۷۹) درمدینه.
- ربیع بن صبیح متوفای (۱۶۰) و سعید بن عروه متوفای (۱۵۶) و حماد بن سلمه متوفای (۱۷۶) دربصره.
- سفیان ثوری متوفای (۱۶۱) درکوفه.
- امام اوزاعی متوفای (۱۵۶) درشام.
- هشیم متوفای (۱۸۸) درواسط.
- معمر متوفای (۱۳۵) دریمین.
- جریر بن عبدالحمید متوفای (۱۸۸) در ری.
- ابن المبارک متوفای (۱۸۱) درخراسان.²²

لیکن همه اینها احادیث را با اقوال صحابه و فتاوی تابعین مختلط جمع نموده بودند واکثراً درین امر با امام مالک در موطن اقتدا کردند و همانبود که درین مرحله مقدار زیاد احادیث درجوامع و مصنفات گرد آوری گردید که می توان جامع معمر بن راشد، جامع سفیان الثوری و جامع سفیان بن عیینه را در جوامع و مصنف عبد الرزاق و مصنف حماد بن سلمه را در مصنفات نام برد.

2- و چونکه درین مرحله حفظ به ضعف گراییده اهواء و بدعات انتشار یافته ضعف حدیث در ساحه بیشتر بوقوع

پیوسته بود، علما درین برحه زمانی سعی بیشتر در نقد رجال و جرح و تعدیل بخرچ دادند و حتی مجموعه باین کار

²¹ - صحیح البخاری ج ۱ ص ۲۷.

²² - مفتاح السنة اوتاریخ فنون الحدیث ص ۲۱.

متفرغ شده وبا آن شهرت یافتند که از جمله میتوان شعبه بن الحجاج (ت-۱۶۰) و سفیان الثوری (ت-۱۶۱) و عبدالرحمن بن مهدی (ت-۱۹۸) و غیره را نام برد.

۱- در پذیرش حدیث احتیاط بیشتر بمیان آمد و کسیکه معروف به حدیث نبود در قبول روایت او توقف می نمودند، امام مسلم در مقدمه صحیح خودش از ابوالزناد روایت می کند: (ادركت بالمدينة مائة كلهم مأمون، مايوخذ عنهم الحديث، يقال: ليس من أهله)²³ در مدینه صد نفری را یافتم که همه در دیانت مورد اعتماد بودند ولی از آنها حدیث روایت نمی شد، گفته می شد که از اهل حدیث نیستند.

۲- بحث و کنجکاوی بیشتر در مورد کشف علل حدیث صورت گرفت و بساقواعد جدید درین باب وضع شد.

۳- رحلت و سفر برای طلب حدیث درین قرن جزء از ضروریات تحصیل طالب العلم دانسته می شد.

رویه مرفقه برخی از قواعد و ضوابط درین مرحله بمیان آمد لیکن همه آنها در سینه های علماء محفوظ بوده و در کتاب خاص تدوین نیافته بود مگر برخی از موضوعات که بصورت پراکنده در کتاب الرساله امام شافعی از آنها بحث بمیان آمده بود و امام شافعی در (الرساله) از شروط حدیث صحیح، وحدیث قابل استدلال، و از شرط حفظ راوی و شرط روایت بالمعنی و از تدلیس و قبول حدیث مرسل سخن رانده است.²⁴

و در کتاب الام از حدیث حسن وحدیث مرسل ذکر به عمل آورده و استدلال به حدیث مرسل را قویاً مناقشه کرده است.²⁵ بنابر آن امام شافعی اولین کسی است که در علوم حدیث تدوین نموده است، هر چند که به شکل کتاب مستقل و منظم نمیباشد.

مرحله سوم:- دوره تدوین حدیث:

این مرحله از آغاز قرن سوم هجری شروع وتانیمه قرن چهارم ادامه می یابد، قرن سوم در واقع عصر طلایی تدوین به حساب می رود، درین قرن علماء به تصنیف احادیث بصورت مستقل وجداگانه پرداختند، کتب مساین درین عصر تدوین یافت امام بخاری در احادیث صحیح کتاب مستقلى تدوین نمود

و امام مسلم نیز احادیث صحیح راجع وتدوین کرد وهمچنان کتب شش گانه مشهور حدیث درین مرحله به رشته تحریر وتالیف درآمد و در همین عصر هرنوعی از انواع حدیث شکل علم مستقلى را بخود گرفت، مثل علم حدیث صحیح، و علم مرسل، و علم أسماء و کنى و غیره، و در همین مرحله در رجال حدیث و درطبقات و علل تألیفات صورت گرفت، یحیی بن معین (ت-۲۳۴) در تاریخ رجال حدیث تألیف کرد، محمد بن سعد (ت-۲۳۰) در طبقات نوشت واحمد بن حنبل در علل و معرفة الرجال و در ناسخ و منسوخ تألیف نمود و علی بن المدینی در فنون مختلفه حدیث قلم فرسایى کرد که صاحب الرساله المستطرفه به دو صد کتاب رسانید است.²⁶

در حقیقت تألیف درین وقت جزء وظیفه هر عالم وامام شده بود، وتالیف همه انواع علوم حدیث را احتواء کرد.

²³ - منهج النقد ص ۵۹.

²⁴ - الرسالة ص ۳۷۰-۳۷۲ و ۳۷۹-۳۸۳.

²⁵ - الأم ۸/۵۳۸.

²⁶ - الرسالة المستطرفة ص ۹۵.

مرحله چهارم: عصر تألیفات وتجلی تدوین درهمه فنون علوم حدیث.

این دوره که از نصف دوم قرن چهارم شروع و تا اوایل قرن هفتم ادامه دارد عصر بروز تألیفات می باشد و درین عصر مؤلفات مختلف درانواع حدیث صورت گرفت علماء بامطالعه مؤلفات سلف که اولین تجربه درتدوین بوده است پرداخته و مواد علمی که درمؤلفات سابقه بصورت پراکنده بوده جمع، ومسائل که ازایشان مانده بود استدراک نمودند و در اکثر این تألیفات به اقوال سلف ومعلومات آنها اعتماد صورت گرفته است و کتابهای مهم که تاکنون بحیث مرجع درین باب می باشد درین عصر تألیف شده است که اینک به ذکر بعضی آنها می پردازیم.

1. (الكفاية في علم الرواية) تألیف خطیب بغدادی متوفای ۴۶۳.

2. (الا لماع في اصول الرواية) تألیف قاضی عیاض متوفای ۵۴۴.

3. (المحدث الفاصل بين الراوى والواعى) تألیف قاضی ابو محمد رامهر مزى متوفای ۳۶۰.

4. (مالا يسع المحدث جهله) تألیف ابی حفص عمر بن عبدالمجید المیانجی متوفای ۵۸۰.

5. (معرفة علوم الحديث) تألیف حاکم ابو عبدالله نیشاپوری متوفای ۴۰۵.

اینها وامثال شان درین دوره تألیف شدند که بحیث مراجع اصلی درفنون علم حدیث درآمدند و فراموش نباید کرد که بارزترین اعلام این عصر که درواقع کاخ علوم حدیث را استوار و بنیان آنرا محکم کرده اند حاکم نیشاپوری و خطیب بغدادی می باشند که بعد ازایشان دیگران به آنها اقتداء واعتماد کرده اند.

مرحله پنجم:- دوره پختگی وکمال درتدوین فن علوم حدیث.

این مرحله شامل سه قرن بوده از قرن هفتم شروع تاقرن دهم ادامه دارد و درین مدت تألیف وتصنیف در علوم حدیث به اوج کمال خود رسید و درانواع مختلف علم حدیث مؤلفات مستقل تألیف گردید، مصنفین این عهد ازبزرگترین ائمه کبار بحساب می روند که درحفظ احادیث وشناخت احوال اسناد ومتن همپایه ائمه گذشته بوده اند و از مهمترین مؤلفات این دوره میتوان کتابهای ذیل را نام برد:

1. الارشاد: تألیف امام نووی ت ۶۷۶هـ.

2. التبصرة والتذكرة تألیف عبدالرحیم العراقی متوفای ۸۰۶.

3. النقیید والایضاح شرح کتاب ابن الصلاح تألیف حافظ العراقی.

4. نخبة الفكر وشرح آن نزهة النظر تألیف ابن حجر العسقلانی ۸۵۲،

5. فتح المغیت شرح الفیة العراقی تألیف شمس الدین محمد السخاوی ۹۰۲هـ.

6. تدرب الراوی شرح تقریب التووی تألیف جلال الدین السبوطی.

لیکن باید گفت که رائد وقافله سالار این نهضت علمی امام فقیه اصولی ومحدث ابو عمر وعثمان ابن الصلاح متوفای ۶۴۳ می باشد که درواقع ابن الصلاح با تألیف کتابش مشهور به مقدمه ابن الصلاح دروازه تألیف را باز کرد که دیگران داخل شدند.

مرحله ششم:- دوره رکود وجمود.

این دوره تقریباً چهارقرن را دربر می گیرد که از اول قرن دهم هجری آغاز و تا اول قرن چهاردهم ادامه می یابد و درین عهد اجتهاد درمسائل علمی وابتکار در تصنیف متوقف شد وهمتها به ضعف گراییده وطلاب علم بیشتر رغبت به مختصرات

نمودند و کتابهای علمی به صورت نظم و نثر مختصر گردید، تحقیق و اجتهاد از میان رفت مؤلفین و نویسندگان بدون تعمق در موضوع و فهم عمق مسائل به مناقشات لفظی عبارات مؤلفین گذشته پرداختند، ازینرو تألیف در علوم حدیث نهایت کم به نظری آید و مؤلفات که درین دوره به ثوب تألیف درآمده قرار ذیل است.

۱. (المنظومة البیقونیة) تألیف عمر بن محمد بن فتوح البیقونی متوفای ۱۰۸۰ هـ.

۲. توضیح الافکار- تألیف محمد بن اسماعیل الامیر الصنعانی متوفای ۱۱۸۳ هـ.

۳. شرح الشرح تألیف ملا علی بن سلطان الهروی القاری متوفای ۱۰۱۴ هـ.

که مؤلف، نزهة النظر شرح نخبه الفکر را شرح نموده است.

اما نباید فراموش کرد که با وجود جمود و کندی حرکت علمی درین عصر در سرزمین هند نهضت که در رأس آن علامه شاه ولی الله الدهلوی متوفای ۱۱۷۶ هـ قرار داشت در حرکت شد، در بسا از مجالات حدیث: در شرح و بسط معانی حدیث، در بررسی اسناد و تمییز صحیح و مقبول از مردود خدمات ارزنده تقدیم گردید و آنچه بیشتر درین ساحه دیده می شود سعی بلیغ در مورد شرح احادیث و فهم معنای آن و استنباط احکام از احادیث بوده است.

مرحله هفتم:- دوره تحرک و نشاط.

این مرحله از آغاز قرن چهاردهم شروع و تا امروز دوام دارد که درین مدت امت اسلامی و علماء یکبار دگر در عرصه تألیف در احادیث گامهای قوی و مثبتی برداشتند و البته جهود علماء درین عصر بیشتر نتیجه عکس العمل سیاسی مستشرقین و دشمنان اسلام در پروپاگند کردن به ضد دین و پخش و اشاعه شبهات پیرامون احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم می باشد این امر سبب شده که به رد افتراءات و دروغهای مستشرقین و شبهات آنها بحثها، رساله ها و کتابهای تحریر و تألیف گردد که اینک می توانیم از مهمترین و مفید ترین این کتابهای ابتکاری برخی آنها را ذیلاً نام بگیریم.

۱. السنة ومكانتها في التشريع الاسلامی- نوشته دكتور مصطفى السباعی.

۲. قواعد التحديث في فنون الحديث- نوشته شیخ جمال الدین القاسمی.

۳. الحديث والمحدثون- نوشته دكتور محمد محمد ابو زهو.

۴. مفتاح السنة او تاريخ فنون الحديث- نوشته عبدالعزیز الخولی.

۵. المنهج الحديث في علوم الحديث- نوشته شیخ محمد محمد السماحی.

۶. منهج النقد في علوم الحديث- نوشته دكتور نورالدین عتر.

۷. بحوث في تاريخ السنة المشرفة- نوشته دكتور اكرم ضياء العمری.

۸. علوم الحديث ومصطلحه- نوشته دكتور صبحی صالح السامرائی.

پس با ذکر مراحل تاریخی علم حدیث خواننده محترم درمی یابد که علمای اسلام برای حمل حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم و تبلیغ آن کوششهای بس بزرگی را از عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم تا امروز در حفظ و ضبط حدیث و در بررسی و نقد آن و در بسط و شرح آن انجام داده اند که این جهود راه دریافت حدیث صحیح را از ضعیف و مقبول را از مردود در همه ادوار برای هر طالب حدیث و مسلمان باز نگهداشته است و این بزرگترین نعمت، اکرام و احسان الهی به امت رسول الله صلی الله علیه وسلم می باشد.

مأخذ ومراجع

1. القرآن الكريم.
2. صحيح البخاري للإمام البخاري - طبع دارعالم الكتب- رياض- تاريخ الطبع، الطبعة الأولى ١٩٩٦م - ١٤١٧هـ.
3. صحيح مسلم- للإمام أبي الحسين مسلم- دارعالم الكتب الرياض ، تاريخ الطبع... ١٩٩٥م - ١٤١٧هـ.
4. جامع ترمذی- للإمام الحافظ أبي عيسى الترمذی/ دارالفكر- / الطبعة الثالثة- ١٣٩٨- ١٩٧٨م.
5. سنن ابن ماجه تأليف- الألباني/ المكتب الاسلامی بيروت/ الطبعة الأولى ١٤٠٧هـ - ١٩٣٠م
6. سنن ابو داود- للإمام أبي داود السجستاني/ نشر وتوزيع محمد علي السيد/ الطبعة الأولى ١٩٦٩م - ١٣٨٨هـ.
7. سنن النسائي- بشرح حافظ جلال الدين السيوطي/ دارالكتب العربي بيروت/ الطبعة الأولى ١٣٤٨هـ - ١٩٣٠م.
8. مسند احمد- للإمام أحمد بن حنبل- الطبع - المكتب الاسلام بيروت/ الطبعة الثانية ١٣٩٨هـ - ١٩٧٨م
9. موطا مالك- داراحياء التراث العربي بيروت - تاريخ الطبع - ١٤٠٦هـ - ١٩٨٥م.
10. مشكاة المصابيح- لمحمد بن عبدالله الخطيب التبريزي - بتحقيق- الالباني- المكتب الاسلامي بيروت/ الطبعة الثالثة ١٤٠٥هـ - ١٩٨٥م.
11. سلسلة الاحاديث الصحيحة/ الباني- الدار السلفية - الكويت/ الطبعة الأولى ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م.
12. المعجم الكبير/ طبراني/ الطبعة الثانية ١٩٨٤م - ١٤٠٤هـ.
13. كنز العمال / المكتب الاسلامي بيروت/ الطبعة الأولى ١٣١٣هـ - ١٨٩٦م
14. فيض القدير/ عبدالرؤف المنادي/ دارالمعرفة بيروت ١٢٩١هـ - ١٩٧٢م الطبعة الثانية.
15. تحفة الاحوذی/ مبارکفوري/ المكتبة السلفية المدينة المنورة / الطبعة الثانية.
16. الترغيب والترهيت منذري/ دارالكتب العالمية بيروت/ الطبعة الأولى ١٤٠٦هـ - ١٩٩٦م.
17. الكواكب الدراري شرح صحيح البخاري/ کرمانی محمد بن یوسف بن علي/ دارالكتب العلمية بيروت ١٣٨٨هـ الطبعة الثانية.
18. منهج النقد في علوم الحديث/ دكتور نورالدين عتر- دارالفكر دمشق سورية/ الطبعة الثالثة ١٤١٣هـ - ١٩٩٢م.
19. تدريب الراوي/ جلال الدين المسبوطي- دارالكتاب العربي/ الطبعة الأولى بيروت ١٤٠٥هـ - ١٩٨٥م.
20. فتح المغيث شرح الفية الحديث / شمس الدين محمد بن عبدالرحمن السخاوي/ المكتبة السلفية ١٣٩٨هـ - ١٩٨٧م الطبعة الأولى.
21. نزهة النظر شرح نخبه الفكر/ ابن حجر عسقلاني/ دارالكتب العلمية بيروت ١٣٩٨هـ الطبعة الأولى.
22. شرح شرح النخبة/ ملاعلي القاري دارالكتب العلمية ١٣٩٨هـ.
23. تيسير مصطلح الحديث /دكتور محمود الطحان /مكتبة المعارف الرياض طبع ١٩٩٤، ١٤١٧
24. الجرح والتعديل /ابن ابی حاتم الرازي /دارالكتب العلمية بيروت /الطبعة الأولى (١٩٨٨)(١٤٠٨هـ)
25. مفتاح السنة او تاريخ فنون الحديث /محمد عبدالعزیز الخولي ،مكتبة المعارف ،الرياض (١٩٨٣)(١٤٠٣)

26. الرسالة المستطرفة / المولانا سيد محمد بن جعفر الكتاني / دار الكتب العلمية / المطبعة الأولى سنة الثانية (١٣٣٢) (١٤٠٠ هـ)
27. الحديث والمحدثون محمد محمد ابوزهو- دار الكتب العربي بيروت / تاريخ الطبع - ١٤٠٤ ١٩٨٤ هـ .
28. السنة ومكانتها في التشريع الاسلامي / دكتور مصطفى السباعي / المكتب الاسلامي بيروت ١٢٩٦ هـ الطبعة الثانية.
29. قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث / دار الكتب العلمية ١٣٩٤ هـ - ١٩٧٤ م الطبعة الثالثة.
30. منهج النقد عند المحدثين نشأة وتاريخه / محمد مصطفى الاعظمي مكتبة الكوثر السعودية / ١٤١٠ .
31. مباحث في الجرح والعذيل ابولبابه حسين.
32. الكفاية في علم الرواية / الخطيب البغدادي / دار الكتب العلمية ١٢٨٨ هـ - ١٩٧٤ م الطبعة الثالثة.
33. السنة قبل التدوين محمد حجاج الخطيب / دار الفكر بيروت / المطبعة الأولى ١٢٨٣ هـ - ١٩٧٤ م.
34. علوم الحديث . ابن صلاح / دار الفكر بيروت ١٣٠٦ الطبعة الثالثة.
35. شرح معاني الآثار - للطحاوي / دار الكتب العلمية - ١٤٠٧ هـ.